نگاهی به روایت «رنجین کمان» نوشته غلامرضا طریقی از انتشارات جام جم

نکته مهم اخلاقی در مقدمه کتاب

الهام رضایی
مرورنویس

من مطمئنم اگر شما هم پای صحبت‌های مادربزرگ-پدربزرگ‌های فامیل بنشینید، ۲۵ روایت که هیچ، هزاران داستان از بیقراری عشق‌ها، تحمل رنج‌ها، تلخی صبر و شکیبایی‌ها برای‌تان خواهند گفت. «لقد خلقنا الانسان فی کبد» (سوره بلد، آیه ۴) همانا ما انسان را در رنج آفریدیم. گذر عمر برای‌مان رنجنامه‌هایی در سینه تلنبار کرده است... رنج، قانونِ دنیای بی‌قانونِ ماست. فکر می‌کنم اگر جناب غلامرضا طریقی سال ۱۴۰۳ رنجین کمان دیگری بنویسد جز رنج مردمان مظلوم غزه هیچ داستان دیگری به اسارت قلم و کاغذ در نخواهد آمد. رنج این مردم نشان‌دهنده نقض تمام قوانین بین‌المللی و جامعه بشری، قوانین جنگ و اسارت و حتی نقض قانون انسانیت است. داستان‌های کتاب را دوست داشتم و اگر کارگردان بودم از عابر پیاده، مثلث سیاه، دل قرص و چند داستان دیگر فیلم کوتاه درست می‌کردم. در مقدمه کتاب به یک نکته مهم اخلاقی اشاره می‌شود که به نظر من اگر شما از این کتاب ۳۰۰-۲۰۰ صفحه‌ای، تنها مقدمه‌اش را هم بخوانید نویسنده به مقصود خود در کتاب رسیده است. نویسنده در مقدمه بیان می‌کند: «من بلد نیستم از کنار انسان‌ها بدون عکس‌العمل (بهتر بود به جای بدون عکس‌العمل از کلمه بی‌تفاوت استفاده می‌شد) رد بشوم... وقتی کودکی را می‌بینم که به اصرار می‌خواهد شیشه ماشینم را تمیز کند، خودم از آن چهارراه رد می‌شوم اما قلبم تا مدت‌ها همان جا می‌ماند.» نویسنده‌ها می‌خواهند انسان‌ها را از مرض بی‌تفاوتی آگاه کرده و نجات‌شان دهد. مرض خطرناک بی‌تفاوت همان چیزی است که دنیای غرب، زندگی مدرن و لامذهبی می‌خواهد همه دنیا را به آن دچار کند. وقتی انسان نسبت به همنوع خود در دیار دیگر... با رنگ و نژاد دیگر... با فرهنگ دیگر بی‌تفاوت باشد و با داشتن توانایی برای انجام کوچک‌ترین کاری در سرنوشت او نسبت به او بی‌تفاوت باشد، نسبت به زندگی هموطن خود، همسایه خود و گاه حتی همخانه خود یعنی زن، شوهر یا فرزندانش نیز بی‌تفاوت خواهد شد. ای‌کاش هیچ انسانی به درد بی‌درمان بی‌تفاوتی دچار نشود. ما خود را مسلمان به آئین رسولی می‌دانیم که گفت هر کسی سیر بخوابد در حالی که همسایه‌اش گرسنه بماند به من ایمان نیاورده است. در حدیث دیگری امام صادق حدود همسایگی را برای ما ۴۰ خانه از چهار طرف مشخص کرده است.

من در بخش مجنون در سجاس، لیلی و مجنون قصه را خیلی دوست داشتم. لیلی و مجنون‌های زیادی را از نزدیک دیده‌ام و امیدوارم تمام مردان دنیا به خصوص مردانِ مردِ سرزمینم مجنون‌وار برای لیلی خود عاشقی کنند، آن وقت خواهند دید که فلان لباس و سرویس طلا، فلان خانه و ماشین همه بهانه است برای زنی که لیلیِ مجنون خود نباشد. لیلی‌های قدیم ناخن نمی‌کاشتند. هر دو هفته مو رنگ نمی‌گذاشتند. هر روز لباس نو به تن نمی‌کردند ولی به معنای واقعی کلمه خانم خانه بودند و در قصر ساده خود فرمانروای قلب مردشان می‌شدند. فصل مثلث سیاه، صحبت‌های مادر و فضاسازی برایم دلنشین بود. در داستان دلِ قرص یا عاشقانه‌های مسعود و کبری متاسفانه دوباره همان طرز فکر رایج اشتباه بعضی در جامعه که معلولان، نابینایان و... را به نفهمیدن و ندانستن بعضی از امور متهم می‌کنند. چه خوب و بجا بود که این نکته را نویسنده در کتاب متذکر شده است. در کل داستان‌های خوبی برای روایت انتخاب شده بود ولی من اسم هیچ کدام از داستان‌ها را دوست نداشتم. مثلا فصل مشماها، من خودم فکر کردم منظور کیسه پلاستیکی خرید است بعد هم که داستان را خواندم فهمیدم مشماها، بسته‌بندی مواد مخدر است باز هم هیچ رابطه‌ای در ذهن برایش پیدا نکردم که برای عنوان داستان مناسب باشد ولی با وجود این، در داستان مشماها یک نکته خوب مطرح می‌شود و آن این است که پدر و مادرهای محله محمد، راوی داستان دقیقا مثل پدر و مادرهای ما بودند. آنها هم بر روی ناهنجاری‌های اجتماع برای فرزندانشان سرپوش می‌گذاشتند. من پنج یا شش ساله بودم که پسر جوانی در محله‌مان خودکشی کرد و مادرم از همسایه‌ها و دیگر بزرگترها می‌خواست در حضور بچه‌ها در مورد این مسأله صحبت نکنند ولی من و خواهر و برادرانم در همان سن کم از تمام جزئیات خبر داشتیم. همین تکنیک سرپوش گذاشتن برای موضوع اعتیاد و بی‌حجابی و بی‌نمازی و... توسط مادرم تکرار می‌شد. مادر می‌خواست ما ندانیم و نفهمیم که خدای نکرده تکرار کنیم. شاید این شیوه تربیتی هنوز هم توسط مادران زیادی اجرا می‌شود ولی من به شخصه به تمام والدین می‌گویم آن چه مادرم از دید ما پنهان می‌کرد ما با کنجکاوی بیشتری دنبال می‌کردیم ولی فقط از ترس مادر، در حضور او خود را به ندانستن و نفهمیدن می‌زدیم. من وقتی خودم با دو فرزندم از مقابل کارتن خواب‌ها و معتادان رد می‌شویم و بچه‌ها از ظاهر عجیب‌شان سئوال می‌کنند، برای‌شان به زبان کودکانه توضیح می‌دهم که این بندگان خدا هم روزی مثل ما، خانه و خانواده‌ای داشتند اما به دلیل یک اشتباه بزرگ به این عاقبت دچار شده‌اند. اجازه دهید مرجع و منبع همه سوال و جواب‌های کودکانه و مشاوره نوجوان و جوان، ابتدا دلسوزترین فرد برای او باشد یعنی شما پدر و مادر. در فصل مشماهای کتاب رنجین‌کمان هم این موضوع سرپوش گذاشتن بر ناهنجاری‌ها توسط مادر پدرهای محله تکرار می‌شد. جالب بود بچه‌ها فکر می‌کردند کارتن خواب‌ها و معتادان با این ظاهر عجیب و متمایز از دیگران مریخی هستند ولی کم‌کم بچه‌های محله که بزرگ شدند فهمیدند مریخی‌های دوران جوانی همه از دوستان و هم‌بازی‌های محل بچگی‌شان انتخاب شده‌اند. شاید بهانه خوبی باشد که بگویم مثل زهرا خانم کتاب روی کارتن خواب‌ها آب نریزید و آنها را با تحقیر از خود دور نکنید آنها روزگاری عزیز و امید مادری مثل شما بوده‌اند. برادر و خواهر مسلمانم! اگر مرهم دل ریش نیستی، نیش هم نباش.

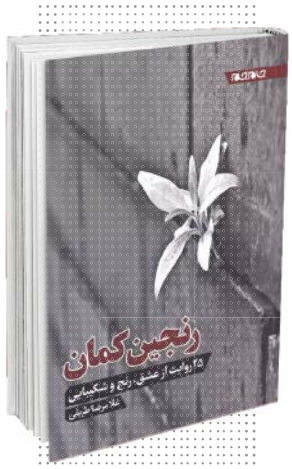

اگر شما از این کتاب ۳۰۰-۲۰۰ صفحه‌ای، تنها مقدمه‌اش را هم بخوانید نویسنده به مقصود خود در کتاب رسیده است. نویسنده در مقدمه بیان می‌کند: «من بلد نیستم از کنار انسان‌ها بدون عکس‌العمل (بهتر بود به جای بدون عکس‌العمل از کلمه بی‌تفاوت استفاده می‌شد) رد بشوم

ادبیات کهن

در نشست بررسی نجوم و شاهنامه مطرح شد

شاهنامه افسانه نیست

دکتر محمد رسولی
شاهنامه‌شناس
و مولف کتب شاهنامه‌پژوهی

این احتمال (هر چند ضعیف) وجود دارد که فرازمینی‌ها در حدود ۱۲-۱۰ هزار سال پیش به دلیلی به کره زمین آمده باشند و چون فلات ایران را جای مناسبی در زمین تشخیص داده‌اند، در این فلات به بشر زمینی برای رشد تمدن کمک کرده باشند. رد و نشان انسان‌های فضایی در میان برخی ابیات شاهنامه دیده می‌شود که اهل فن می‌توانند به آن پی ببرند. در شاهنامه مواردی وجود دارد که سبب‌ساز خطور این فرضیه به ذهن پژوهشگر می‌شود. آیا ممکن است سیمرغ که از دانش بسیار بالایی برخوردار است «سیم مرغ» یعنی مرغ آهنی یا همان سفینه فضایی بوده باشد؟! به راستی آن وسیله ارتباطی که زال برای تماس با این سیم مرغ دارد چیست که بعدها در ذهن عوام به پر سیمرغ ! نامیده شده است ؟! به تشابه نام کیانی با کیهانی توجه کنیم و این‌که بیشتر مسائل غیرعادی در دوران کیانی به وقوع پیوسته است.

دلایل و یا دست کم نشانه‌های زیادی در این باره می‌توان داخل شاهنامه یافت. «دیوها» یکی دیگر از دلایل ما هستند. این دیوها چه کسانی هستند و از همه مهم‌تر می‌توانند ارابه! تخت و... بسازند که انسان به وسیله آن تا اوج آسمان‌ها پرواز کنند! این دیو گاهی هم به سرعت نور حرکت می‌کند! اینها همه در شاهنامه آمده است. آیا نشانه‌های یک سفینه هوایی پیشرفته نیست؟!

متاسفانه در طول تاریخ، تصور شده بود که شاهنامه فقط کتاب ادبیاتی است و مربوط به رشته ادبیات است. این خطا سبب کم توجهی به این کتاب شگفت شده بود. امروزه معلوم شده شاهنامه در وهله نخست کتاب «حقوقی، سیاسی، تاریخی و علمی» است. با توجه به این‌که ثابت کرده‌ایم هرچه در شاهنامه است راست و واقعی است، جام جهان‌نما که جمشید پیشدادی و کیخسرو دارد و از داخل آن می‌تواند همه جهان را ببیند و حتی درون سیارات دیگر را رصد کنند، چیست؟! همه نشانه‌ها که در شاهنامه آمده، حکایت از وجود یک ماهواره خیلی پیشرفته است!

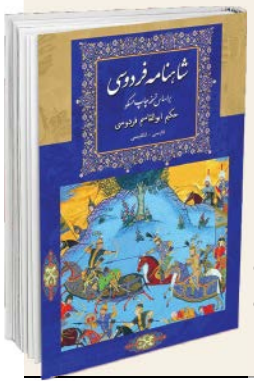

مگر آن‌که بگویید شاهنامه افسانه است. چیزی که من قبول ندارم. چرا که در آن صورت این پرسش پیش می‌آید که ماهواره امروزی چطور به تخیل شاعر در هزار سال پیش رسیده است؟!

سازمان آگهی‌های روزنامه جام جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com

برگ سبز و سند کمپانی **پراید ۱۱۱** مدل **۸۹** رنگ **نقره‌ای** پلاک **۴۶۱ م ۷۲ ایران ۴۶** شماره موتور **34172243** شماره شاسی **S5430089004598** به‌نام **سهیلا رمضانی چهارده** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری **سمند SOREN XU7P** مدل **۱۴۰۳** به رنگ **سفید** به شماره موتور **125K0276792** و شماره شاسی **NAACV1HLFRKB57523** به شماره پلاک **ایران ۵۰ -۵۳۳ ی ۸۴** به مالکیت **بهرام صبری شاهعلی بیگلو** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ کمپانی سواری **پژو PARSXU7** مدل **۱۳۹۷** رنگ **سفید روغنی** به شماره موتور **124K1180531** و شماره شاسی **NAAN01CE4JH070681** به شماره پلاک **ایران ۶۰- ۶۷۵ ب ۶۹** به مالکیت **عزیزه باقری** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری **سمند SOREN XU7P** مدل **۱۴۰۲** به رنگ **سفید** به شماره موتور **125K0266640** و شماره شاسی **NAACV1HLFPBB11608** به شماره پلاک **ایران ۵۰ -۶۱۵ ی ۳۲** به مالکیت **جمیله ربیعی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

اطلاعیه
میدان میوه و تره بار آستانه اشرفیه
به اطلاع می‌رساند حجره شماره **۵** به نام **آقای معین صالحی لیچائی** اجاره‌دار با این میدان تسویه حساب نموده و حجره خود را تحویل داده است. افرادی اعم از حجره‌داران، باغداران و یا هر فرد حقیقی و حقوقی که از حجره شماره **۵** به نام معین صالحی فقط در میدان میوه و تره‌بار آستانه اشرفیه هرگونه طلب یا حساب مانده دارند، می‌توانند از تاریخ این اطلاعیه تا یک ماه با داشتن مدارک و اسناد قانونی جهت احقاق حق به میدان مراجعه و یا جهت اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۹۱۱۳۳۳۱۷۷۸ تماس حاصل نمایند.
محمدرضا موسی پور
میدان میوه و تره‌بار آستانه اشرفیه